

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

... دوستان و اظهار لطف آنها را اجابت

کردیم، یک چند کلمه‌ای خدمت دوستان عرض

می‌شود راجع به خصوصیت دیروز و به مناسب

مبعث پیغمبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلّم و این

که حال که خداوند توفیق زیارت فرزند آن حضرت

علی بن موسی الرضا علیهم السلام عنایت کرده و

طبق روایات مسلّمه زیارت علی بن موسی الرضا

ثواب هزار حج و عمره را دارد و بیشتر، برحسب

مراتب معرفت و شناختی که انسان نسبت به امام

رضا علیه السلام دارد.

دیروز عصر داشتیم به حرم مشرف می شدیم یکی از دوستان که همراه ما بود گفت که آقا حالا که توفیق زیارت آن حضرت نصیب شده ما چه بخواهیم از حضرت چه درخواستی کنیم؟ گفتم: مگر شما از حضرت بالاتر سراغ داری؟ از خود امام رضا بر دنیا و آخرت اگر چیزی [بالاتر] هست او را بخواهید. هر چه فکر کرد گفتم: نه ما دنیا و آخرت مان امام رضا است دیگر، از امام رضا دیگر چیزی بالاتر نداریم. گفتم: پس امام رضا را بخواهید، حالا که حضرت در کنار دریای بی کران نشسته و می بخشد چرا آدم کم بخواهد؟ این از نادانی انسان است.

پیغمبر اکرم که و عجیب این جا است که راجع به زیارت امام رضا علیه السلام تعبیراتی هست که حتی راجع به زیارت سیدالشهدا آن تعبیرات نیست و این را ما مانده ایم در آن که جهت چیست؟ که خلاصه این همه راجع به زیارت امام حسین علیه السلام هست و چه هست و چه هست و [مثلا] در شب جمعه اگر خداوند قسمت کرده که باز هم

[قسمت کند] و اگر قسمت نکرده انشاءالله خدا قسمت همه شیعیان آن حضرت بکند زیارت امام حسین علیه السلام فرق نمی‌کند [در] روز، شب، همه هفته ولی راجع به خصوص شب جمعه از همه عراق و از همه جا برای زیارت سیدالشهدا علیه السلام در شب جمعه می‌آیند به خاطر یک روایتی که از پیغمبر اکرم هست که کسی که در شب جمعه زیارت سیدالشهدا را بکند ملائکه او را در آن شب برای زائرین سیدالشهدا تقسیم می‌کنند که در آن اوراق برائت از نار و دخول در بهشت نوشته شده است لذا خیلی می‌آیند اصلا جای سوزن انداختن نیست در شب جمعه زیارت سیدالشهدا علیه السلام. عرض کردم همه وقت فرقی نمی‌کند زیارت زیارت است دیگر، حالا شب جمعه‌اش یک خصوصیت دیگری دارد اما در عین حال حتی بعضی از بزرگان در زمان گذشته زیارت سیدالشهدا را برای کسانی که مستطیع هستند چهار سال یک مرتبه واجب می‌دانستند با این که مکه و حج یک مرتبه واجب است ولی اهمیت آن این قدر زیاد است. خب اینها

قابل توجه است و هیچ اشکالی هم ندارد حالا  
شخصی فتوایش به این نحو باشد.



ولی صحبت در این است که زیارت علی بن موسی الرضا در لسان ائمه و در لسان پیغمبر یک تعبیرهایی شده به یک تعبیرهایی که ارجحیت بر زیارت سیدالشهدا را از آن استنباط [استفاده] می‌شود و این ... ما ماندیم که این چه جهتی هست که می‌تواند این را داشته باشد؟ علی کل حال مرحوم آقا می‌فرمودند: برای سالکین راه خدا علی بن موسی الرضا چیز دیگری است. این را من یک سرّی بود فاش کردم و باید دیگر حالا که توفیق به دست آمده قدر بدانیم.

علی کل حال روایتی را از پیغمبر اکرم صلّ الله علیه و آله و سلم عرض می‌کنیم که حضرت فرمودند فرمودند: بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ<sup>۱</sup> مِنْ مَبْعُوثٍ شَدِمَ كَمَا مَكَارِمَ اخْلَاقٍ رَا تَمَامَ كُنْمَ: یعنی رسیدن به بالاترین مرتبه ارزشها و رسیدن به عالی‌ترین مرتبه ارزشها و حقایق ارزشمند توحیدی و رسیدن به عالی‌ترین ... و بالاترین نقطه صعود و فعلیت استعدادها.

---

<sup>۱</sup> بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲

این استعدادها بخواهد به فعلیت برسد ما به این مسأله مبعوث شدیم، ما را می گویند امت پیغمبر، امت یعنی جایگاه. چرا به زن در عربی می گویند امّ؟ چون امّ جایگاه است، مرد امّ نیست. زن جایگاهی است که طفل را در درون خود پرورش می دهد و طفل از او متولد می شود، جنین به صورت طفل درمی آید و زن او را در رحم خود پرورش می دهد، بزرگ می کند و به مرتبه کمال که رسید خب ... این را می گویند امّ.

ما را می گویند امّت. امّت یعنی شخصی که جایگاه است، ما چه جایگاهی داریم؟ امت پیغمبر یعنی کسانی که پیغمبر را در درون خودشان دارند پرورش می دهند و نگه می دارند. حالا واقعا ما این طور هستیم؟ امت پیغمبر یعنی اگر افرادی از بیرون بیایند بخواهند پیغمبر را بشناسند نگاه به ما می کنند و از دریچه ما پیغمبر را می شناسند. حالا متوجه شدید این چه لفظی است و چه معنایی دارد و چقدر ما نسبت به این لفظ فاصله داریم؟ ان شاءالله من خودم را عرض می کنم ما واقعا فاصله داریم.

امت عیسی یعنی افرادی که حضرت عیسی را در درون خودشان پرورش می‌دهند. اگر ما بخواهیم ببینیم حضرت عیسی که بود، چه حالاتی داشت و چه کمالاتی داشت باید نگاه به این رهبان‌ها و مسیحیان بکنیم البته واقعی‌شان نه اینهایی که ...  
خب الان همه چیز تغییر کرده. امت موسی همین طور امت عیسی همین طور.

امت پیغمبر معنایش این است که افراد متّصف بشوند به صفاتی که اگر شخصی از غیر مسلمان‌ها باشد بیاید و نگاه بکند به انسان شهادت بر توحید و شهادت بر رسالت پیغمبر بدهد، نه این که بیاید ببیند اگر اسلام این است ما اسلام را کنار می‌گذاریم، التفات کردید؟ نه این که بیاید ببیند که جامعه مسلمان‌ها



که [به آنها] امت پیغمبر می گویند نگاهشان کنید ببینید با چه وضعی هستند، ارتباطاتشان چطور است، معاملات ایشان چطور است، داد و ستد ایشان چطور است، کارهای داخلی و خارجی ایشان چطور است! ما را امت می گویند درست شد؟

حالا وقتی که معنای امت را ما متوجه شدیم آن کلام رسول خدا که می فرماید: بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ برای ما روشن می شود که رسالت پیغمبر رسالت تکمیلی بود، رسالت اکمال بود، آن رسالت رسالتی بود که افراد را به کمال برساند. صحبت ما با رسول خدا این است آیا شما مطالبی را که فرمودید و آن مطالب الان در کتابها نوشته شده و به عنوان سنّت شما، به عنوان سیره شما و به عنوان نحوه عملکرد یک انسان به افراد در خانواده و در اجتماع و مسائل شخصی و مسائل کلی؛ دستوراتی که شما دادید، آیا آنها شوخی بوده یا جدی؟ اگر شوخی بوده که دیگر پس قضیه مشخص است و هیئات این که ساحت مقدس آن حضرت از این مسائل بری و منزّه است؛ و اگر جدی بوده است از کسی که به سیره آن

حضرت عمل کند به آن مکارم اخلاق خواهد رسید، این مسأله است. یعنی وقتی که ما می‌بینیم رسول خدا فرمود باید این طور بود باید آن طور بود، زن باید این طور باشد مرد باید آن طور باشد، آن وظایفش این است او وظایفش این است، نحوه عبادت نحوه برخورد نحوه مسائل اینها بایست این طور باشد. اینها جهاتی است که رسول خدا روی آن جهات تکیه کرده و این که ایشان فرمود: بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ اگر طبق دستوراتش ما [به آن مکارم] نمی‌رسیدیم و نیاز بود به مسائلی دیگر که در اختیار ما نبود خب چرا پیغمبر این حرف را زد؟ این به چه درد ما می‌خورد؟ مثل این که پیغمبر بیاید بفرماید خداوند به من عقل اول و آخر را دادند؛ خب به من چه مربوط است؟ خداوند به شما عقل اول و آخر را داده است چه نفعی برای من دارد؟ [یا مثلاً] خداوند به من قدرت داده است که کوه‌ها را جای خود تکان بدهم؛ خب به من چه ارتباطی دارد؟ خداوند به شما قدرت داده. [یا مثلاً] خداوند به من قدرت داده که با ملائکه و اینها صحبت کنم و همه عرش و فرش در

اختیار و تسلط و احاطه و ولایت من باشد، خب هست برای من که نیست؛ گفتن این حرفها یعنی چه؟ مطرح کردن این مسائل چه فایده‌ای دارد؟ چه اثراتی بر این مترتب است؟ پیغمبر در ارتباط با مردم جوری باید صحبت کند که بر آن مطالبش اثرات مترتب باشد برای مخاطبین، مشافهین و برای آن افرادی که بعدا می‌آیند و می‌خواهند از آن مسائل استفاده کنند. بله؟

لذا قرآن کتابی است که از پیغمبر باقی مانده و برخلاف آن عده از افراد جاهل و نادان نسبت به مضامین قرآن، قرآن برای تک تک ما است تا روز قیامت. قرآن این نیست که برای پیغمبر نازل شده است و بعد ما [بگوییم:] "حالا دیگر گفتند بخوان دیگر"، "حالا دیگر ما که مشافهین بالخطاب نیستیم ما

که افرادی که مخاطب باشیم نیستیم، این قرآنی که ما می‌خوانیم فقط یک تبرکی است که کلام وحی [است] از روزنامه بهتر است بله از کتاب‌های قصه و امیر ارسلان بهتر است "نخیر! قرآن کتابی است که برای من نازل شده است بخصوص من و قرآن کتابی است که برای تک تک شما که می‌شنوید نازل شده است به خصوص شما؛ چون قرآن کتابی است که بنده را با عالم هستی ربط می‌دهد، بین انسان و بین مدارجی که باید طی کند ارتباط برقرار می‌کند. بعضی می‌گویند در آیات قرآن یک آیاتی هست که مال پیغمبر است مال ما نیست. البته بعضی از آیات هست که این آیات مربوط به پیغمبر برای شرایط خاص پیغمبر است که خب مسائل شرعی و بعضی از قضایا و این‌ها اما نه این که او هم به ما مربوط نباشد یک اثری، یک نصیحتی، یک مطلب نهفته‌ای و سرّی مربوط به ما است اگر مربوط به پیغمبر بود چرا پیغمبر این را نوشت و به همه مردم گفت؟ دیگر در کاغذ برای خودش می‌گذاشت در طاقچه برای خودش دیگر چرا به صورت قرآن در دسترس همه

قرار داد؟ این حرف‌ها هیچ صحیح نیست. قرآن کتابی است که آن کیفیت ارتباط انسان را با عالم وجود تعیین می‌کند و می‌گوید تو همین بدن نیستی که با حول و حوش خودت یک ارتباط فیزیکی داری، تو با تمام مراتب ظاهر و صورت و معنا و مثال و بالاتر آن حقیقت و سرّی که حتی از معنا بالاتر است، با عالم وجود مرتبط هستی. برای روشن شدن این سلسله مراتب قرآن آمده پس قرآن برای تک تک ما آمده و تک تک ما از این آیات استفاده می‌کنیم و خود را با این آیات تطبیق می‌دهیم و برای صعود به مرحله بالاتر از آیات مدد می‌گیریم، این می‌شود مکارم اخلاق.

پس پیغمبر که آمدند و صحبت کردند و فرمودند: **بُعِثْتُ لَأْتَمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ** کلام پیغمبر این است که کسی که به دستورالعمل ما و به مطالبی که ما می‌گوییم عمل کند به آن چه را که من به او مبعوث شدم خواهد رسید یعنی به آخرین مرتبه از مکارم اخلاق و این مسأله را ما شوخی نباید بگیریم مسأله را باید جدی بگیریم و انشاءالله به حول و قوه الهی

با توسل به مقام ولایت حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداہ  
و توسل به ذیل عنایات امام علی بن موسی الرضا  
علیه السلام که خداوند این نعمت را به ما ایرانی‌ها  
داده که بتوانیم از ظاهر هم همان طوری که از وجود  
باطنی و ولایی ائمه علیهم السلام که خب امام حی  
که وجود دارد، از نقطه نظر ظاهر هم خودمان را  
بتوانیم به آنها متصل کنیم خب علی بن موسی الرضا  
علیه السلام هم در اینجا هستند و در این جا مدفون  
هستند و باید از آن حضرت عاجزانه و ملتمسانه  
درخواست کنیم که اولاً همت و آن همیت و سعی  
کافی برای رسیدن به این مطالب را خودشان عنایت  
کنند و بعد موانع راه را از سر راه ما بردارند و در همه  
حال خودشان حافظ و نگهبان ما باشند و خطاهای ما  
را به بزرگواری خودشان مورد عفو قرار بدهند  
انشاءالله همه موفق باشید و با دست پر به



اوطانتان همه برگردید و ما را هم فراموش

نفرمایید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ